

بررسی زیبایی شناسی و کاربرد آن در فرهنگ معماری اسلامی

بابک حوریزاد^{۱*}

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، گروه معماری، دانشگاه غیرانتفاعی ماد، سمنان، ایران
Email: babakhourizad@gmail.com

چکیده

زیبایی جاذبه است ازلی، که هنر پل ارتباط بین آن و انسان است و درک زیبایی موهبتی است الهی و پایگاهی ذهنی که به عینیت می انجامد، و هنر بدون آن کالبدی بی روح و خالی از جاذبه می باشد. بحث زیبایی شناسی معماری که در واقع به مبانی کیفی و نظری هر طرحی مربوط میشود ما را به بررسی بیشتر عناصر خلق زیبایی و یا ارزیابی این مفهوم هدایت می کند که مطالعات نشان می دهد معماری امروزی نتوانست پاسخگوی همه نیازهای بشر باشد. بنابراین از آنجایی که هنر اسلامی نتیجه گسترش اسلام و تاسیس تمدن بزرگ اسلامی است و زیبایی شناسی هنر اسلامی از یک طرف محصول غور و تفحص علما و فلاسفه اسلامی در آیات و احادیث است و از سوی دیگر نتیجه نوعی درک شهودی و عمل هنرمندانی است که مغروق در فضای ایمان و اندیشه اسلامی می زیستند لذا مفهوم زیبایی در فرهنگ اسلامی متناظر مفهوم وجود و مراتب وجود و خالق وجود تبیین می شود. از این رو هدف این پژوهش بررسی و جمع بندی زیبایی شناسی و نقش آن در معماری اسلامی و مطالعات انجام شده و مطالعات کتابخانه ای، این نتیجه حاصل می شود که در واقع معنای زیبایی در معماری در نگاه اندیشمندان مطرح و در نهایت نتیجه ای که می تواند برای بررسی معماری اسلامی از بعد زیبایی بکار گرفته شود، بحث خاتمه می یابد.

واژگان کلیدی: زیبایی، معماری اسلامی، زیبا شناختی، فرهنگ اسلامی.

۱- مقدمه

دنیای امروز دنیای بی ثباتی ارزش هاست. هیچ معیار ثابتی برای اینکه ما بگوییم این اثر خوب است یا بد وجود ندارد. نسبیت در ارزش ها، کثرت گرایی در معیارهای ارزشی و شکاکیت در مباحث هستی شناسی و انسان شناسی را بدنبال آورده است. اینها در حالی است که پیامبران، حکما و مصلحین جهان همه یک اصل کلی را بیان کرده اند و آن اینکه یک حقیقت جامع جهانشمول و مدبر بر هستی حاکم است و بایدها و نبایدها، زشتی ها و زیبایی ها و همه مبانی و معیاهای مبتنی بر ذات و فطرت انسان است. گمان می رود آنچه راه حل جامعه طوفان زده کنونی ما باشد، تکیه بر ارزش های ثابت و پیروی از هنر آرمانگرا است تا هم هنرمند به کمال برسد و هم مخاطب رشد کند. انسانی که قدرت انتخاب ندارد مثل کف و خاشاکی روی آب یا هر جریانی در سطح، به این سو و آن سو کشیده می شود. چنین شخصی چون جهت گیری اساسی و معنایی در کارش ندارد؛ از جوشش پنداشت های اصیل از درون خود محروم است و تبدیل به یک مقلد می شود [۱].

حسن شناسی و زیبایی و جلوگیری و به تعطیلی کشاندن بحث های مقایسه ای و نقدهای منطقه ای در این حوزه، عملاً باید خودبنیادی و خودبینی هنرمندان و تسلط هوای نفسانی آنها در خلق آثار و جلوگیری از تعامل مثبت با مخاطبین و نقدهای سازنده و تکامل بخش هنرمندان، آثار آنها شده است. و از طرفی گنجینه لایتنهای مکتب اسلام در کلیه مباحث مورد نیاز بی توجهی و غفلت بوده و عدم بهره برداری مطلوب و مناسب از این اقیانوس رحمت الهی و